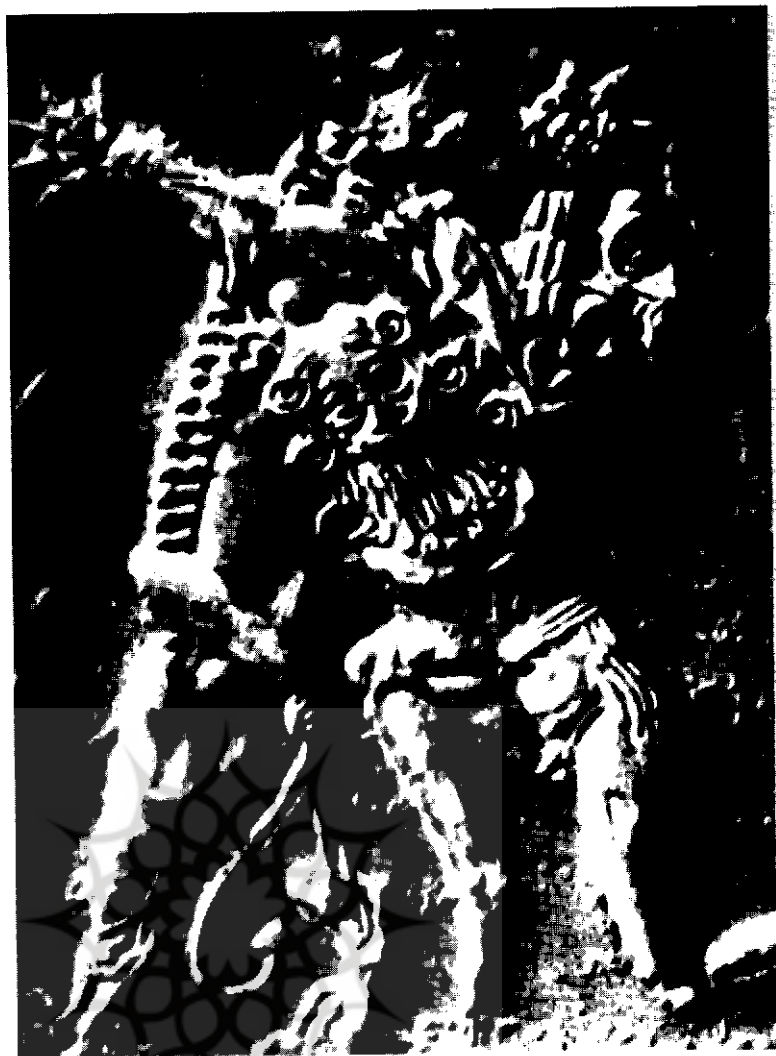


ندارند همان گونه که می‌دانیم ژرژ دمزیل اسطوره شناس فرانسوی ساختار سه گانه ای را در اساطیر هندواروپایی در نظر می‌گیرد. گروه اول خدایان فرمانروا و آفریننده گروه دوم خدایان جنگجو و گروه سوم را خدایان برکت بخش تشکیل می‌دهند. اما این تمایز مانع از همکاری خدایان و عمل یکی در حوزه عمل دیگری نیست همانگونه که در کتاب ریگ ودا می‌بینیم «وارونا» که کنش اول را بر عهده دارد به کنش خشونت و جنگاوری بیشتر گرایش دارد. تقریباً در هیچ کدام از اسطوره های کهن آفرینش به مفهوم «آفرینش از هیچ» بر نمی‌خوریم در همه موارد آفرینش به نظم درآوردن آن حالت از آشفتگی است که از آغاز وجود داشته که این مستلزم پیکار نظم با بی سامانی است.

مطابق برخی پندارهای کهن جهان بر اثر قربانی کردن هیولای ازلی یعنی مظهر آشوب در بین النهرین چون تیامت یا از طریق قربانی دیوی کیهانی چون بمبر در اساطیر ژرمن و اقوام شمالی، پان کو در اساطیر چینی و پوروشه در اساطیر هندی به وجود آمد بنابراین آفرینش علاوه بر پیوند با پیکار از جهتی با آیین قربانی نیز پیوند داشت. نبرد آغازین از سویی با آیین های جشن سال نو پیوند دارند جشن سال نو در واقع تکرار نبرد نظم و آشفتگی و پیروزی نظم و پیدایش دوباره است پس می‌توان آیین‌های جشن سال نو، پیکار و پیدایش را سه ضلع یک مثلث قرار داد. زیرا این دنیای مرگ و نیستی به گفته میرچالیاده متناوباً محتاج تجدید و ترمیم و اعاده خلقت است.

اغلب نبردهایی که منجر به پیدایش آفریده‌بی می‌شود میان ایزدان رخ می‌دهد. اما گاه می‌بینیم نبردهایی که قهرمانان جنگجو در آنان دخالت دارند نیز به ایجاد پدیده ای در طبیعت می‌انجامد بنا به نظر برخی اسطوره شناسان طبیعی نمادگرا که قهرمانان جنگجو را نماد طوفان و تندر و آدرخش و ازدها و دیوان را نماد شب و ابر



## نگاهی بر پیوند پیکار و پیدایش در اساطیر

علی عبدالهی

سرگذشت خدایان یا تکوین و آفرینش جهان هستند حتی در برخی روایات اسطوره‌یی خدایان جنگ خدایان مادر و آفریننده نیز به شمار می‌آیند. مانند نیت Neity خدایانوی جنگ سانیس در اساطیر مصر که نقش خدای مادر را نیز بر عهده داشت. کنش‌های خدایان و قلمروهایشان ضد یکدیگر نیستند بلکه چون اجزاء یک سازمان تابع قانون تداخل و نفوذ در هم‌دیگرند و در عمل با یکدیگر تخالفی

□ انسان نخستین از روز چشم گشودن خود را با نیروهای دشمن کیش مخالف و نیروهای یاری دهنده روبرو دید و دریافت که جهان مادی آمیخته‌یی از خوبی و بدی، سیاهی در برابر سپیدی و تاریکی در برابر روشنایی است. پدیده‌هایی چون رعد و برق و طوفان، گرما و سرما در ذهن مردم باستان حاکی از مبارزه ای میان عناصر خیر و شر بود. غالب جنگ و پیکارها در اساطیر یادآور ماجرای

می‌دانستند می‌توان باور داشت که این نبردها با پیدایش باران و باروری در پیوند بوده است در میتولوژی آغازین همه جا خواست قدرت تأیید می‌گردد در هیچ یک کشمکش را تحقیر نمی‌کنند جنگ را بدی مطلق نمی‌شمارند ناچار بین افراد و گروه‌های متخاصم برخورد روی می‌دهد گروهی برای کشتن و بردن ربه‌های گروه دیگر می‌آیند قبائل شکارگر مردی جنگجویند و بسیاری از آنها به وسیله جنگ و تبدیل جنگ به مسابقه‌های دلیرانه و زورآزمایانه نشاط تازه‌یی می‌یابند مراسم قربانی نیز نشانی از این مسأله است.

در اساطیر ایران جشن سال نو که در واقع روز آغاز آفرینش است بدین گونه با جنگ پیوند می‌یابد: در آغاز آفرینش اهریمن با سرزمین خونیرس از آن جهت در ستیز است که گیانان و پهلوانان در خونیرس به وجود می‌آیند... و اینکه سوشیانس موعود نیز که اهریمن را نابود خواهد کرد آنجا زاده می‌شود (بند هشتم فصل ۸) در فلسفه ایران کهن یکی از علت‌های آفرینش انسان نبرد با قوای اهریمن است. سبب پیدایش دیوان و موجودات بدکار از سوی اهریمن نیز نبرد با اهورا مزدا است. در نتیجه نبرد کیومرث با اهریمن و کشته شدن کیومرث مهری و مهریانه آفریده می‌شوند. در نتیجه نبرد تیشتر خدای باران با اپوش و اسپنجروش - دیوان خشکسالی - که سه شبانه روز به طول انجامید باران تندر و آذرخش پدید آمدند. در نتیجه تازش اهریمن به زمین در مرحله سوم آفرینش کوه‌ها از زمین روئیدند و قاره‌ها پدید آمدند تازش اهریمن به گاو در مرحله پنجم آفرینش به کشته شدن گاو و پیدایش دانه‌های گیاهی و درمانی از پیکر گاو منجر شد. در تازش و نبرد ششم اهریمن با کیومرث فلزات پدید آمد و پیدایش نظم از بی‌نظمی حاصل نبرد امشاسپندان با دیوان است.

بنا بر روایات پیدایش آتش (جشن روز سده) نیز حاصل مقابله اورمزد با مار یا سرمای آفریده اهریمن است برخی نیز این روز را نماد و یادبود نبرد زوتهماسب با افراسیاب غاصب دانسته‌اند.

در اساطیر ایران عنصری که با فتح دژ و کشتن اژدها همراه است با رهاسازی و آفرینش آنها پیوند دارد در نتیجه نبرد شاه قانونی با افراسیاب غاصب - نماد خشکسالی است، که باران دوباره فرو می‌ریزد. (ویدن گرن، ۱۳۷۷، ۷۳، ۲۷۷)

از میان ایزدان جنگجوی ایرانی بهرام خدای جنگ و پیروزی در عقاید آریائیان اژدهای حبس‌کننده آنها یا دیو خشکسالی را از میان می‌برد و پیدایش باران نتیجه این پیکار اوست. بنا به کتاب روایات پهلوی در واقع آتش و رهران باعث پیدایش سامان و نظم و ترتیب در جهان است. (عقیقی، ۱۳۶۸، ۶۸)

ایزدمهر نیز با گاو نبرد می‌کند و در واقع این پیکار را نموداری از آفرینش تعبیر کرده‌اند زیرا از تن گاو حیات گیاهی و جانوری به وجود می‌آید. (اموزگار، ۱۳۸۳، ۲۲) وای ایزد جنگ هم با نبردهای خود آفریننده باران و طوفان است.

جنگهای گرشاسب (قهرمان جنگ) از جمله نبرد با مرغ کمک (دیو خشکسالی) عامل پیدایش باران و باروری است گشناسب هم با نبردهای خود آنها را آزاد می‌کند. (ندیم، ۱۳۷۶، ۸۲ و ۸۴)

در اساطیر مانوی آفرینش دارای سه مرحله است پس از تازش اهریمن پدربزرگی یا زروان در جهت نبرد با او خدای دیگری به نام مادر زندگی را آفرید او نیز به نوبه خود هرمزدیغ یا تجلی نخستین انسان مینوی و نخستین جنگاور کیهان روشنی را به وجود آورد در جریان نبرد هرمزدیغ با اهریمنان گروه دوم ایزدان برای یاری در نبرد توسط زروان آفریده شدند بنابراین آفرینش دوم به انگیزه نجات هرمزدیغ در راه نبرد با اهریمن آغاز شد. هنگامی که مهرایزد به جهان تاریکی می‌تازد مرحله جهان آفرینی آغاز می‌گردد مهرایزد از تن دیوان کشته شده هشت زمین، از پوست تن آنان ده آسمان، از پاره نورهایی که دیوان بلعیده بودند خورشید و ماه و از نورهای آلوده گشته ستارگان را می‌آفریند. در نبردهای مرحله سوم آفرینش نرسیه ایزد و ویسید با دیوان می‌جنگند و از پاره نورهای رها شده جانوران و گیاهان به وجود می‌آیند. (۷۵ تا ۷۸ اسطوره آفرینش در آیین مانی اسماعیل پور)

در اساطیر هند نیز بسیاری از نبردهای آسمانی باعث پیدایش باران و طوفان می‌شود، قهرمانی به نام تریته سلاح رعد به دست با اژدهایی به نام ویش وه رویه - آتش ایزدی در آسمان - نبرد می‌کند و این نبرد عامل پیدایی باران است. ماروتها ارواح طوفان و تندر نیز با حمله و نبرد با وریتره باعث پیدایش باران می‌شوند. (ابوس، ۱۳۸۱، ۲۳) ایندرو خدای طوفان در نبرد بزرگ خود با وریتره - دیو خشکسالی - باعث پیدایش آبها، باران و روشنائی است. در واقع باران حاصل طوفان یعنی جنگ و ستیز در جو است و بدین جهت وابسته ی ایندرا و ماروتهاست و با پدید آمدن چراگاه‌ها و رودخانه‌ها در پیوند است.

در اساطیر هند نبرد غول ویرا بهادریه با خدایان موجب پیدایش زمین لرزه و طوفان‌های دریایی می‌شود. (ابوس، ص ۷۵) بنا بر روایات هندی پیروشه موجود غول آسای نخستین طی نبردی با ایزدان کشته می‌شود و از سرو ناف و پایش سه حریم کیهانی آسمان، فضا و زمین ساخته می‌شود و از اندامش طبقات چهارگانه جامعه هندی زاده شدند مطابق روایتی دیگر از مغز او ماه از چشمش خورشید و از نفسش باد آفریده شد (اسطوره بازگشت جاودانه ص ۷۳)

در اساطیر بین‌النهرین به روایتی مردوک خدای جنگ در نبرد با تیامت - غول اژدها پیکر نخستین - لوح تقدیر را به دو نیم می‌کند با نیمی آسمان و با نیمی زمین را می‌آفریند. از آب دهان تیامت ابر و باد و باران و از چشمانش دو رود دجله و فرات را پدید می‌آورد. (مک کال، ۱۳۷۸، ۸۳) برق سلاح‌های مردوک طوفان را پدید می‌آورد. (ژیران الف، ۱۳۸۲، ۷۱) در واقع نبردهای او نماد پیدایش نظم در برابر آشفتگی آغازین است مردوک پس از شکست تیامت گل را با خون خدای کینگو - سردمدار سپاه تیامت - می‌آمیزد و انسان را می‌آفریند. بنا بر یکی از روایات تیامت برای انتقام از خدایان دیگر یازده غول هراس‌انگیز می‌آفریند که اینها بعضاً الگوهای علامات منطقه البروج می‌شوند زیرا عبارت بودند از انسان، عقرب، ماهی، مار، اژدها و سمندر (جهان اسطوره شناسی، ۲، ص ۱۱۹)

در اسطوره‌ای دیگر در نتیجه نبرد خدایان با ال لیل میرندگان به

جهت انجام کارهای سخت آفریده می‌شوند همچنین در نزاع با انسان، خدایان طوفان طاعون و قحطی را می‌آفرینند. (مک کال، ۷۵ و ۶۷ و ۶۸) در اسطوره نبرد آتات خدای جنگ با مت - خدای سترونی - می‌بینیم که در پی این نبرد غله و باروری پدید می‌آیند دو ایزد جنگجوی دیگر ارا و اداد نیز در نبردهای خود طاعون و طوفان را می‌آفرینند.

بعل خدای بزرگ نظم آفرین دیگری است که نبردهایش با آفرینش طوفان، باران زایی، تندر و آذرخش در پیوند است در این پیوند او خدای رعد و برق نام دارد. (هنری هوک، ۱۰۲، ۱۳۸۱)

در اساطیر عبری در مزامیر داوود (مزمور ۷۴) شرحی نشان می‌دهد که یهوه برای آفرینش و تکوین جهان در کشاکش مبارزه ای با آنها قرار می‌گیرد و لویاتان اژدهای چندسر را می‌کوبد (اساطیر خاورمیانه ساموئل هنری هوک، ص ۱۴۳) در باب طرح مربوط به سال نواسرائیلیان به گفته inkcl-maw «یکی از نظرهای عمده به تخت نشستن یهوه به عنوان شاه جهان و نمایش دادن رمزی پیروزی او بر دشمنانش یعنی هم بر قوای هاویه و هم بر دشمنان تاریخی اسرائیل بوده است حاصل این پیروزی نوشدن یا تجدید خلقت و امر اختیار و انتخاب و بستن عهد یعنی اندیشه ها و مناسک جشنهای باستانی باروری که زیربنای عید تاریخی را تشکیل می‌دهد بوده است.» (چشم اندازهای اسطوره ص ۵۶)

در اساطیر چینی نوگو آلهه مادر بود هنگامی که فرزندان برای ادامه زندگی کشتزارها را به وجود آورند گونگ گونگ دیو، سخت خشمگین شد و برای مقابله و نبرد با آنان سر خود را به یکی از کوههای نگارنده آسمان زد کوهها فروریخت و از بعضی شکافها آتش پدید آمد و در نتیجه فراگیری سیلابها اقیانوسهای پهناور و بی کران پیدا شدند یکی دیگر از کارهای نوگو این بود که در نبرد با لاک پشت غول پیکر چهارپای آن را برید و با آن ستونهای آسمان را ایجاد کرد اساطیر جهان، (۶۹۵) مرگ پان کو هیولای ازلی اساطیر چین و در نتیجه آفرینش را نیز می‌توان به گونه ای نتیجه نبرد تدریجی طبیعت فرسایشگر با جسم او تعبیر کرد اگرچه سخنی از نبرد نیست طبیعت جسم او را تجزیه می‌کند از سرش کوهستان شرق از پاهایش کوهستان غرب از بدنش کوهستان مرکزی از دست چپش کوهستان جنوب و از دست و بازوی راستش کوهستان شمال پیدا شدند این کوهستانها در واقع چهار جهت زمین بودند. از چشم راستش ماه از گوشت بدنش خاک زمین از خونش اقیانوسها، از دندانها و استخوانهایش فلزات، گوهرها و مروارید از نفسش ابر و باد، باران و شبنم از موی بدنش گیاه و درخت و از رنگهای پوستش جانوران و ماهی ها پدید آمدند. (اساطیر جهان، ۶۹۲)

در اسطوره‌ی دیگر چینی یی ۲۱ پهلوان کمانگیر با خورشیدهای ده گانه پیکار می‌کند در واقع این پیکار باعث بازآفرینی و تجدید آفرینش می‌شود بعضی مردم معتقد بودند که ده خورشید زمانی در آسمان پدیدار می‌شود که نشانی باشند از سقوط یا زوال قریب الوقوع یک خاندان سلطنتی، «نه خورشید نتوانستند از تیرهای «یی» جان سالم به در برند و یکی از پس دیگری از بین می‌رفتند پر و بال یکایکشان بر زمین ریخت زمین تاریکتر شد تا اینکه سرانجام فقط با یک نور روشنی یافت اکنون

مردم می‌توانستند دوباره به زندگی ادامه دهند.» (اساطیر جهان، ۶۹۷ تا ۶۹۹) در اساطیر ژاپن هنگامی که میان خدای ماه و «او که موجی» خدای تغذیه نبرد در می‌گیرد او که موجی کشته می‌شود بنابراین از سر او اسبان و گاوها از ابروانش کرم ابریشم، از پیشانی اش ارزن، از معده اش برنج پدید آمد. (اساطیر ژاپن، ص ۲۵) بنابراین می‌بینیم این حادثه با آیین باروری و حاصلخیزی نیز در پیوند است در روایت دیگر آماتراسو اومیکامی الهه خورشید و باروری است در نتیجه پیکار این الهه با خدای ماه این دو از یکدیگر جدا می‌شوند و این موضوع باعث پیدایش شب و روز و منابع اصلی غذا بر زمین و کشاورزی و صنعت پرورش کرم ابریشم می‌شود. (اساطیر جهان، ص ۷۱۹)

در اساطیر یونان و روم پوزوئیدون خدای دریا در نبرد با غولان کوهها را با نیزه سه شاخه شکافت و با سنگهای آن اولین جزیره ها را پدید آورد (زیران، ص ۳۵) در نتیجه نبرد زئوس خدای خدایان یونان با تیفون غول آسا، آذرخش بوجود آمد در روایتی دیگر حاصل این درگیری پدید آمدن آتشفشان یعنی همان شعله های رها شده از کام این غول تیفون است. (جان بین سنت، ص ۲۶، اساطیر یونان) در این نبرد تندر و آذرخش به عنوان سلاح های زئوس جلوه گر می‌شوند. نبرد کروونوس خدای آغازین با پدر و پسرش نیز بر کشتن خدای کهن برای آفرینش و باروری توسط خدایان نو است.

در اساطیر روم آیین عبادی کیرینوس خدای جنگ همزمان با بسیاری از آیین های عبادی خاص دیگر اما همه با همان پایگاه و کنش وی یعنی باروری و جهان زیرزمینی تأسیس شد. (جهان اسطوره شناسی، ص ۳۷) و این موضوع دلالت صریح بر پیوند کنش جنگاوری با پیدایش و باروری دارد.

مارس خدای باروری و بهار در پی تقدیس بهار به خدای جنگ تبدیل شد به فرجام به طور کلی همه خدایان جنگ در مرتبه دوم این کار ویژه را یافته اند. (جهان اسطوره شناسی، ص ۵۴)

بنا به افسانه‌های اقوام شمالی و ژرمن ها در آغاز یازده رود در سرزمین تاریک مه آلود جاری بودند چکه های آب این رودها پس از برخورد با آگرهای زمین به صورت مرد یا غولی درآمد به نام یمیر یا اورگلمیر که پدر همه دیوهاست بعداً سه ایزد برادر به نامهای اودین odinn و vili و Ve با یمیر جنگیدند پس از کشتن او از خونش دریاها از سرش سپهر و از مژگانش پرچین پیرامون ربع مسکون را آفریدند (اسطوره بازگشت جاودانه، ص ۳۴) در این اساطیر خدایی به نام تور Thorr داریم که خدای ایجاد کننده طوفان و آذرخش است او گذشته از اینکه خدای خشن، تند و دارای غرائز حیوانی است جنگ را به نفسه دوست دارد او را همتای ایندرا و دایبی دانسته اند او خدای باروری نیز هست در واقع محصول آمیختگی دو خدای باروری و خدای طوفان ترکیب این دو وظیفه در خدای جنگ خواهد بود. (جهان اسطوره شناسی، ص ۴۹، ۵۰)

در اساطیر ایرلندی نیروی باروری، حاصلخیزی، روشنی و زندگی همواره آماده مقابله با نیروهای سیاهی و بیهودگی و سترونی و مرگ

هستند این دو نیرو همیشه در ستیزند تا بتوانند بر سرزمین ایرلند چیره شوند گاه روشنی - که پارتولون ها نماینده آن هستند - پیروزی می یابند و گاه نیروی تاریکی که قوموری ها نماینده آنند پیروز می شوند. (اساطیر جهان، ۵۰۹) اما جالب آنکه این ستیز و نبرد همواره حاصلخیزی و باروری و آفرینش دوباره زمین و خاک را تأمین می کند.

برخی اقوام و طبقات اسکاندیناوی خدای پور Pott را خدای نزاع در جو و در نتیجه خدایی باران زا و مؤثر در کنش باروری می دانستند آدمیان از او خواستند طوفان و رگبار سودمند برانگیزد و از قحطی جلوگیری کند او با چکش اش غولان را به دو نیم می کند و به این جهت طوفان به پا می شود او رهایی بخش خدایان در بند و منجی جهان است. (جهان اسطوره شناسی، ۴، ۲۳، ۲۴)

در اساطیر کشورهای آمریکایی (آزتکها) کوتزال کواتل خدای روشنی بخش و تزکا تلیپوکا خدای تاریکی بودند این دو خدا در نبرد با الهه یی هیولاگونه که هر آفریده که بر سطح آب می یافت می بلعید خود را به هیأت دو مار بزرگ درآوردند یکی دستان الهه را گرفت دیگری هر دو پایش را و او را به دو نیم کردند سر و شانه های الهه به زمین و پایین تنه اش به آسمان بدل شد خدایان دیگر نیز از موی الهه درختان و گیاهان بلند از پوست بدنش گیاهان و گلهای لطیف و از چشمانش غارهای کوچک، چشمه سارها و چاه های آب و از دهانش غاری بزرگ و رودخانه از بینی اش تپه ها و دره ها و از شانه هایش کوهساران بزرگ را آفریدند. (اساطیر جهان، ۹۲۵، ۹۲۶) در متن دیگری متعلق به ملت یا قوم زوینی در نیومکزیکو سخن از اسطوره آهی یوتا به میان آمده است او موجودی است خداگونه که با هیولایی کوه پیکر و باران خوار می ستیزد این هیولا برای خوردن ابرها آشتهایی سیری ناپذیر داشت در نتیجه این نبرد است که باران پدید می آید و باروری باز می گردد. (همان، ۹۶۹، ۹۷۰)

در اسطوره واکای نیان تانکا مرغ طوفان متعلق به اساطیر سرخپوستان آمریکا هنگامی که جنگ میان مرغهای طوفان و غولهای شرور دریایی شروع می شود آنها طغیان کردند و این باعث پیدایش زمین لرزه شد. (اسطوره ها و افسانه های سرخپوستان آمریکا ۲۹۲) در روایت دیگر اونکتی غول دریایی با آدمها جنگید و باعث پیدایش طوفان شد هنگامی که تونکاشیلا روح پدر بزرگ، اونکتی را مجازات کرد از استخوان پشتش پشته کوهی بلند و از مهره هایش صخره های سرخ و زرد به وجود آمد. (همان، ۱۶۹ و ۱۷۰)

در اساطیر مصر، توفان را جلوه یی از نبرد ایپپ مار غول آسا و رع خدای خورشید و پیروزی موقتی ایپپ و خورشیدگرفتگی را جلوه ای از بلعیده شدن زورق رع توسط ایپپ می دانستند. (اساطیر مصر ایونس، ص ۶۰) در اساطیر آفریقا خدای جنگ کیبوکا با پیدایش توفان در ارتباط است او در جنگ در دل ابرها جای می گیرد و باران تیر و نیزه بر دشمنان فرو می بارد. (اساطیر آفریقا جنوفری پاریندر، ص ۱۲۱)

در نتیجه می توان به گمان دکتر بهار تأکید ورزید که اسطوره پرجابیتی در هند، زروان در ایران، تیامت در بین النهرین، کرنوس در یونان میمر در اسکاندیناوی و ... از یک خانواده و متعلق به جوامع کشاورز آسیای غربی

و اروپایی پیش از ورود اقوام هندو اروپایی به این مناطق است. اغلب خدایان پیکار کننده و جنگجو خدایان آفریننده یا خدایان طوفان و باران یا هر دوی آنها هستند یا به طور کلی با کنش باروری و روشنایی بخشی در پیوندند. دیوان و اژدهایان نخستین بیشتر نماد آشفتنگی و بی نظمی آغازین هستند اما در اساطیر هند و اروپایی این هیولاها حبس کننده ی آب ها و باران و خود دیو خشکسالی هستند در مقابل خدایان این موجودات غول آسا نماد تاریکی و شب هستند. در مجموع می توان گفت حاصل این پیکارها پدیده هایی است که گاه با آفرینش و گاه با حاصلخیزی و باروری مرتبطند. اما پیدایش طوفان و باران و ارتباط آن با این پیکارها نقش ویژه یی دارد. ■

### منابع

- ۱- فرنیغ دادگی. (۱۳۸۰) بندهش. گزارش مهرداد بهار. چاپ دوم، تهران: توس.
- ۲- ویدن گرن، گنون. (۱۳۷۷). دین های ایران. ترجمه منوچهر فرهنگ. چاپ اول، تهران: آگاهان ابد.
- ۳- عقیقی، رحیم. (۱۳۷۴). اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته های پهلوی. چاپ اول، تهران: توس.
- ۴- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۳). تاریخ اساطیری ایران. چاپ ششم، تهران: سمت.
- ۵- ندیم، مصطفی. (۱۳۷۶). گرشاسب در پویه و ادب فارسی. چاپ اول، شیراز: ایرا.
- ۶- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). اسطوره آفرینش در آیین مانی. چاپ دوم، تهران: کاروان.
- ۷- ایونس ورونیکا. (۱۳۸۱). اساطیر هند. ترجمه باجلان فرخی، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- ۸- الیاده، میرچا. (۱۳۸۴). اسطوره و بازگشت جاودانه. ترجمه بهمن سرکارتی، چاپ دوم، تهران: طهوری.
- ۹- مک کال، هنریتا. (۱۳۷۵). اسطوره های بین النهرینی. ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۱۰- ژیران، ف. (۱۳۸۲). اساطیر آشور و بابل. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ اول، تهران: کاروان.
- ۱۱- دلکور، لاپلانین و ... (۱۳۸۲). جهان اسطوره شناسی ۲. چاپ دوم، تهران: مرکز.
- ۱۲- هنری هوک، ساموئل. (۱۳۸۲). اساطیر خاورمیانه. ترجمه علی اصغر بهرامی و فرنگیس مزداپور، چاپ سوم، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- ۱۳- الیاده، میرچا. (۱۳۴۲). چشم اندازهای اسطوره. ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران: توس.
- ۱۴- روزنبرگ، دونا. (۱۳۷۹). اساطیر جهان. ترجمه عبدالحسین شریفیان، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۱۵- پیگوت زولیت. (۱۳۷۳). اساطیر ژاپن. ترجمه باجلان فرخی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۱۶- ژیران، ف. (۱۳۸۲). اساطیر یونان. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. چاپ اول، تهران: کاروان.
- ۱۷- بین سنت جان. (۱۳۸۰). اساطیر یونان. ترجمه باجلان فرخی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۱۸- دومزیل، دارمسترو. (۱۳۷۹). جهان اسطوره شناسی ۴. ترجمه جلال ستاری، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ۱۹- ایونس ورونیکا. (۱۳۷۵). اساطیر مصر. ترجمه باجلان فرخی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ۲۰- ایرودز، اریتر. (۱۳۷۸). اسطوره ها و افسانه های سرخپوستان آمریکا. چاپ اول، تهران: چشمه.
- ۲۱- پاریندر جنوفری. (۱۳۷۴). اساطیر آفریقا. چاپ اول، تهران: اساطیر.